

هو العزيز العليم

توحید

بحث در امر خداشناسی بزرگترین بحثها است و باید مورد نظر و دقت قرار گیرد زیرا از بحثهایی است که محل ابتلاء و نیاز بشر است و دانشمندان کفابهایی در این باب نگاشته اند که برای ما از بدو خلقت و پیدایش انسان در داستانهای شیرین و تعبیرات و استدلالهای بر لطفی صحبت میکنند - بشر از روز نخست و از همانوقت که در از تمدن زندگی میکرد و در جنگل یا مغاره و یا شکاف کوهها بسر میبرد بکوچکی و زبونی خود بی برد و در صدد وجود برتر از خود برآمد و آنچه یافته و یافته (از درها و کوهها و ستارگان و حیوانات) مطلوبش نبود .

او بی خدا میگشت و او را در همه جا و در همه چیز میجست و بعقل و هوش و شعور خود فشار بیشتر وارد کرد تا آنرا مستعد و آماده معرفت ساخت و بالاخره بوسیله وحی خرد و کلمه غیبی بخدای کامل و یگانه و منزه و بی همتائی بی برد (مشابهة روان با بدن) در سرشت انسان احتیاج شدیدی بعقیده و ایمان هست . و همانطور که احتیاج بغذا دارد نیازمند بعقیده است روان شباهتی باین دارد . روان مانند بدن گرسنه میشود و هر یک طالب غذای مناسب عالم نبود میباشند (مثنوی) میل جان در حکمت است و در علوم - میل تن در باغ و راغ است و کرم - میل جان انهر ترقی و شرف - میل تن در کسب اسباب علف - میل جان اندر حیات و درحی است زانکه جان لا مکان جای وی است - میل تن در سبزه و آب روان - زان بود که اصل آن آمد از آن (دین و صفات تو امانند) - عقاید انسان مانند علوم و صنایع تدریجی بوده و بتدریج در عقاید و ایمان رشد نموده انسان تا بود با عقیده بوده علوم و صنایع نیز با عقیده و زندگانی در یک سطح قرار داشت پس میتوان گفت علم و صنعت تقدم و برتری بر دین و عبادت نداشت . اگر گفته شود مردم بی دین از طریق انسانیت منحرف و وجودشان با طبیعت تکوین مخالف است جزا نیست زیرا قابل انکار نیست که حس دینی در سرشت بشر میباشد و باز قابل انکار و بحث نیست که انسان باید بچیزی ایمان داشته باشد در وسط این عوالم نمیتواند بدون ایمان برقرار بماند و این هم قابل تردید نیست که انسان از عناصر همین عوالم است و در میان همین عوالم

پیدا شده است و ایمان همان عشق و علاقه است که وجود و پیدایش انسان با آن آشنائی داشته است (نتیجه) - پس بشر بی ایمان از اصل خلقت نزول کرده است و خاصیت انسانی از چنین وجودی پریده است از او جز قفس بدن چیزی وجود ندارد. ایمان از نوامیس مقدس بشر و از بزرگترین حقایق عالم وجود است عام و حفظ آن باید با نیروی قویتر و با قلب پاکتری باشد عادتاً باید کوششهای انسان در اکتساب دین سختتر و طولانیتر از کوشش او در راه کسب علوم و صنایع باشد زیرا گفته شد ایمان بزرگترین حقیقت عالم وجود است البته فهم و درک آن سختتر و راه وصول و کشف آن درازتر و دشوارتر است از حقیقت تمام اشیاء که گاهی علم و صنعت برای رسیدن بآنها میکوشند. توضیحا گفته میشود چه امر خورشید درخشان که آشکارترین چیزها است در برابر چشم ما و حواس آنرا درک میکنند مدتها بر بشر مجهول بود و تا چند قرن گذشته معتقد بگردش آن بدور زمین بودند و چیزهایی درباره آن میگفتند اما هیچکس قدرت انکار خورشید را نداشت و با وجود این عقول درباره اش در تاریکی بی پایان سیر میکرد و شاید هنوز همچنان باشد «خرافات عقیده در عصر و دوره ای نباید مابهر کود بحث شود درباره خدا شناسی مخصوصا در ادوار جاهلیت و توحش عقاید بسیار سخیف و طریق پرپیچ و خمی بود و شاهد در عصر حاضر هم خاکستر آن باقی و آن عقاید بورانت از اسلاف باخلاف رسیده باشد این امر نباید مانع از مراجعه با اصول ادیان شود جلو سیر و حرکت فکر را برای کشف حقیقت سد نماید یا بحث در اصول دین را بحث در امر معالی پنداشت البته نباید امید داشت که بزرگترین حقایق واقعا در يك عصر بطور کامل برای مردم ظاهر شود بلکه کمال فهم آن دوره بدوره و قرن بقرن حاصل می شود زیرا مردم در هر دوره آماده تر میشوند از علم مقایسه بین ادیان بدست آمده خداشناسی در هر دوره بشکلی بود و بین اشکال خداپرستی امتیازی بود مانند امتیاز بین جمادات و انسان (نباید تعجب کرد) زیرا اختلاف عقیده همیشه در تمام شئون زندگی بشر حکم فرما بوده است.

برای بشر از حیث روان و این حالات و درجهاتی میباشد.

همانطور که برای بشر از حیث قوای طبیعی و جسمی شئون و مراتبی است سیر از مرتبه جمادی میکنند مهرسد بعد از اعلای رشد و نمو که مقام کهولت و پیری باشد همچنین قوای روحی او هم دارای مراتب و درجهاتی میباشد دوره بدوره آماده تر و کاملتر میشود تاریخ را بردارید نگاه کنید افکار و روحیات بشر در هر دوره از حیث ایمان و عقاید و اخلاق و سایر شئون روشنتر از دوره های قبل و معتقداتش با اصول منطق نزدیکتر میباشد البته نظر لاحق اصح و دقیقتر از نظر سابق است.

(تسائید مطلب) صنایعی در عصر حاضر وجود دارد که تصورش برای انسان در اعصار گذشته مشکل بود چه رسد از اینکه اختراع نماید - مثل رادویا

روزی که علم مینیاتیزم نبود آنقدر بعید نبود مردمی پیدا شوند منکر وجود روح گردند و بگویند انسان غیر از همین که دیده میشود چیزی نیست - علم مینیاتیزم ثابت کرد که انسان غیر از همین که دیده میشود دارای قوه و روح است که آثار عجیب و غریب دارد و اگر او را در تحت شرایط ریاضت قرار دهند و مجرد از وهم و خیالش نمایند آنقدر بالا میرود که ماده را قدرت وصول با و نمیشود تصور حقیقتش در حوصله آن بکنند در دوره ای که بوسیله علم مینیاتیزم (یا نوم مغناطیس یعنی خواباندن) از روح کشف اسرار میکنند و از او پاسخ سؤالات میشوند اساس مادیت متزلزل و در شرف فنا و نابودی است علم مینیاتیزم تکان بزرگی بجهان بشریت داد و نفسهای مادیین بشماره افتاده است . فرید وجدی که از دانشمندان بارز قرن اخیر است در «دائرة المعارف خود

راجع بمینیاتیزم حکایتی نقل میکند بدین مضمون :

(لویس) که یکی از دانشمندان معروف علم مینیاتیزم است . زنهارا در حضور جمعی خواب کرد و باو گفت برو بمنزلت ببین اهل منزل چه میکنند؟ زن در خواب گفت رفتم دو نفر آنجا مشغول کارهای خانه هستند .

لویس گفت : دست بیدار یکی از آنها بگذار در این هنگام زن خندید ، و گفت بیکی از آنها دست گذاشتم چنانچه امر کردی خیلی ترسید لویس از حاضرین پرسید کسی منزل این زن را میداند یکی از آنها اظهار اطلاع کرد لویس گفت بروید تحقیق کنید قضیه درست است ؟ رفتند دیدند اهل منزلش در ترس و وحشت زده اند سبب پرسیدند گفتند در مطبخ يك هيكلی دیدند حرکت میکنند و دست گذاشت بکسی که در آنجا بود از این قبیل قضایا در کتابهای این فن بسیار است و امروز ملل غربی و فلاسفه روحی بزرگ آنها این قضیه را جزو واضحات می شمارند مادیین و منکرین روح که میگفتند . در این چهار دیوار بدن انسان چیزی نیست کاملا بر اثر این علم و علوم دیگر که از این سنخ میباشد بلشبهه خود پی برده اند .

آری دوره ای که افکار بشر متوجه سطح و ظاهر مواد این عالم بود و غیر از ماده و طبیعت چیزی نمیدید . جاداشت که بگویند غیر از حکومت ماده قوه و قدرتی نیست لیکن دوره بدوره و قرن بقرن افکار آماده تر میشود و بر خبط و اشتباه خود واقف خواهند شد (نتیجه) ادوار زندگی بشر متفاوت میباشد و در راه خداشناسی دوره هایی بر بشر گذشت که در هر دوره و قرنی بشکلی و طوری خود نمائی میکرد .

دانشمندی که مقایسه بین ادیان نموده اند و غور در آنها کرده اند سه دوره عمومی درباره اعتقاد بخدا قائل هستند یعنی بطور کلی بشر در ادوار زندگی خود درباره خداشناسی خالی از این سه دوره نبوده است اکنون آن سه دوره ذکر سپس اجمالا آنها را شرح خواهیم کرد :

اول - دوره تعدد - یا صدها خدا

دوم - دوره تمیز یا ترجیح (یا خدای مافوق) سوم - دوره توحید یا یگانگی